

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رہبانت**

سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۹  
صفحه ۸۳ تا ۱۰۲

## بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت در اندیشه ایرانی و انقلاب اسلامی

محمدباقر منصورزاده / دانش‌آموخته دکتری تخصصی، علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. mb.mansourzade@yahoo.com  
علی اکبرامینی / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ali.Amini@iauctb.ac.ir

### چکیده

عدالت از مفاهیم اساسی و بنیادین در اندیشه سیاسی و شیوه حکومت‌گری، به عنوان آرمانی بشری همواره مورد توجه و تأمل منظومه‌های فکری و اندیشمندان گوناگون بوده است. هدف پژوهش حاضر این است که مروری اجمالی بر سیر تحول مفهومی عدالت در چند خاستگاه اندیشه‌ای تاثیرگذار در طول تاریخ انداخته و ضمن بررسی و تبیین جایگاه آن در دو اندیشه ایرانی و انقلاب اسلامی، نظرات و دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران هرکدام از این دو ساحت اندیشه‌ای در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران زمین را در برابر روی خوانندگان و علاقه‌مندان این عرصه قرار دهد. پرسش اصلی این پژوهش این است که: مفهوم و مؤلفه‌ی عدالت در اندیشه ایرانی و انقلاب اسلامی چگونه شاخص‌بندی شده و معرفی می‌شود؟ فرضیه پژوهش نیز این خواهد بود که عدالت یا همان «داد» در اندیشه ایرانی با مفهوم «اشه» پیوند خورده و منظور از آن، حفظ نظام هستی و کیهانی است که در عرصه اجتماعی به شکل امنیت و دفع ظلم معنا می‌یابد. از دیگر سو مفهوم عدالت در اندیشه انقلاب اسلامی که برگرفته از منابع اصیل دین اسلام است، به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش و بهره‌مندی بشر از آن استحقاقی که بواسطه خلقتش به او داده شده است، معنا و قوام می‌یابد. ضمناً روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی با رویکردی تحلیلی توصیفی می‌باشد.

**کلیدواژه:** اندیشه ایرانی، انقلاب اسلامی، عدالت، خواجه نظام الملک، فردوسی، آیت الله خامنه‌ای.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

### مقدمه

عدالت همواره آرمانی مهم و جاودانه بوده که از سوی نظام‌های فکری و اندیشه‌ای مستقر در ایران معنا و مفهومی متأثر از نگاه اندیشمندان آن داشته است. به اعتبار دستگام‌های نظری گوناگون در تاریخ ایران زمین که می‌توان آنها را به اندیشه‌های ایرانی شهری، اسلامی و فلسفه یونانی تقسیم بندی نمود؛ عدالت همواره به عنوان یکی از مفاهیم مهم نظریه پردازی در این سرزمین مورد بررسی قرار گرفته است. در اندیشه ایرانی شهری عدالت گاهی به معنای حفظ نظام طبقاتی معنا می‌یافته و گاه به معنای برقراری امنیت به کار گرفته شده است. از دیگر سو، مفهوم عدالت در اندیشه اسلامی برحسب سزاواری‌ها و استحقاق‌ها؛ شناخته شده است و ضمن تأکید بر اهمیت امنیت در این منظومه فکری، اجرای قانون را تأمین کننده این دو مفهوم می‌داند که می‌بایست بواسطه استقرار حکومت الهی این آرمان محقق گردد. این پژوهش بر آن است تا با معرفی مفهوم عدالت از سوی برخی اندیشمندان برجسته این دو طیف فکری در ساحت اندیشه‌ای ایران، آرای فردوسی و خواجه نظام الملک را به عنوان نمایندگان اندیشه ایرانی شهری تبیین نموده، سپس، با مروری به آرای متفکرین مسلمان، از جمله شهید مطهری، مفهوم عدالت در اندیشه اسلامی را توضیح داده و سیر تحول مفهومی آنرا در انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و در پایان ضمن مروری کوتاه بر آراء مقام معظم رهبری، مکانیسم‌های مورد نظر ایشان در این زمینه را تشریح. پرسش اصلی این پژوهش این است که: مفهوم و مؤلفه‌ی عدالت در اندیشه ایرانی شهری و انقلاب اسلامی چگونه شاخص بندی شده و معرفی می‌شود؟ فرضیه پژوهش نیز این خواهد بود که عدالت یا همان «داد» در اندیشه ایرانی شهری با مفهوم «اشه» پیوند خورده و منظور از آن، حفظ نظام هستی و کیهانی است که در عرصه اجتماعی به شکل امنیت و دفع ظلم معنا می‌یابد. از دیگر سو مفهوم عدالت در اندیشه انقلاب اسلامی که برگرفته از منابع اصیل دین اسلام است، به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش و بهره مندی بشر از آن استحقاقی که بواسطه خلقتش به او داده شده است، معنا و قوام می‌یابد.

### ۱) روش پژوهش

در روش تحلیل محتوا، به عنوان یکی از روش‌های جذاب در علوم انسانی، فرض بر این مبنا پایه گذاری می‌شود که با تحلیل پیام‌های زبانی و متنی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها و سازمان یافتگی نهفته در آراء اندیشمندان گوناگون دست یافت (گلشنی و قائدی، ۱۳۹۵: ۵۷). در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکردی

تحلیلی-توصیفی بهره گرفته شده است. بدین شیوه که بعد از مطالعه عمیق پژوهش‌های صورت گرفته روش استنباطی و تفسیری یافته‌های فهمیده شده را در غالب الگویی طراحی شده از درون این نظریه‌ها ارائه می‌دهیم.

## ۲) بررسی مفهوم شناسی عدالت از منظر اندیشمندان غربی

از آنجا که شرایط خاص زمانی و مکانی و نیز نگرش‌های فلسفی گوناگون موجب ارائه تفاسیر و تلقی‌های گوناگونی از مفهوم عدالت شده است؛ ناگزیریم نخست سیرتطور مفهوم عدالت را از منظر مکاتب گوناگون به طور اجمالی در این پژوهش مورد بررسی قرار دهیم. عدالت به عنوان اساسی‌ترین مفهوم، در فلسفه سیاست، اخلاق و حقوق در طول تاریخ اندیشه بشر، دستخوش دگرگونی‌های متفاوتی شده است؛ عدالت، در آغاز مفهومی طبیعت‌گرایانه و معطوف به وضع طبیعی محتوایی انتزاعی و هندسه مبتنی بر تعادل داشت که بیشتر می‌توانست ویژگی فردی تلقی شود. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳۹) افلاطون در کتاب جمهوری خود عدل و برقراری آن را ملاک سعادت فردی و اجتماعی بشریت معرفی می‌کند. (افلاطون، ۱۳۹۰: ۴۵۰) وی عدالت را اعتدال قوای روحی تحت فرمان عقل (غلبه عقل بر خشم و شهوت)، تقسیم کارها بر اساس استعداد طبیعی، حداکثر مطلوبیت اجتماعی و حداکثر کارایی در انجام وظایف می‌داند. از نظر او عدالت آن است که هر فرد در جامعه خویش تنها یک کار داشته باشد و آن کار و مسئولیت منطبق با طبیعت و استعدادهای او باشد. (افلاطون، ۱۳۹۰: ۲۰۹). ارسطو، دیگر فیلسوف بزرگ یونانی، عدالت را در اعتدال و میانه روی تعریف می‌کند (عنایت، ۱۳۸۴: ۸۶). از نظر ارسطو، فرد عادل بالاترین فضیلت را دارد و باید رهبری جامعه سیاسی را به دست گیرد تا عدالت را پیاده نماید و توأمانی عدالت و حقوق طبیعی موجب پیشرفت قانون و اجتماع می‌شود. (عنایت: همان) مباحث عقلانی در باب مفهوم عدالت در کل دوران قرون وسطی تعطیل شد و آنچه هم در آن دوران در این باب گفته شد، متأثر از مباحثی چون رستگاری، اجرای احکام الهی و حکومت کلیسا و غیره قرار داشت و در واقع قانون الهی معیار تمام قوانین بشری و اساس عدالت و انصاف به شمار می‌رفت (بشیریه، همان: ۱۰۹). مفهوم عدالت در عصر روشنگری بر دو گرایش عمده استوار بود که به عنوان یکی از مهمترین اندیشمندان عصر مدرنیته، در باب عدالت اظهار نظر نمود. به عقیده او، عدالت در حالت طبیعی وجود ندارد و زمانی که قرارداد اجتماعی بسته شد و افراد از همه حقوق طبیعی خود چشم می‌پوشند و آن را به شخص حاکم تفویض می‌کنند و اطاعت از او را گردن می‌نهند، امکان اجرای عدالت بوجود می‌آید. در نگاه هابز، مشروعیت

حکومت برآمده از لزوم وفای به عهدی یک جانبه است. حکومت از طریق انعقاد قرارداد میان عموم مردم پدید می‌آید و به موجب آن، مردم متعهد می‌شوند از فرمانروا اطاعت نمایند: (وگان، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۱۳) بدین ترتیب، مفهوم عدالت در نگاه هابز این است که چنانچه مردم از اطاعت فرمانروا سرباز زنند، مرتکب نقص عهد و بی عدالتی شده اند. (جمشیدیها، ۱۳۹۴: ۸۸) هابز از چنین دیدگاهی مبحث عدالت را با علایق عصر جدید پیوند داد و از مبانی دینی و ارسطویی بحث عدالت فاصله گرفت. مهمترین مولفه‌های عدالت در سنت هابزی آن را می‌توان در مفاهیمی چون لزوم امنیت در جامعه، حداکثر سود و لذت با تکیه بر اندیشه‌های کسانی چون بنتهام و هیوم و البته مصادره این مفهوم به سود آزادی، با توجه به آرای جان استوارت میل، تشخیص داد. در مقابل این اندیشه در دوران مدرن، متفکرانی همچون روسو و کانت قرار داشتند. روسو در تبیین عدالت به منافع مشترک حاصل از ایمان، عشق و تربیت سیاسی توجه دارد و می‌گوید نابرابری‌های کوچک، ضرورت ادامه زندگی است ولی نهادهای اجتماعی آنها را به نابرابری‌های اجتماعی تبدیل کرده، انسان‌ها را، از آزادی و برابری دور می‌سازد. از دیدگاه او مالکیت خصوصی از مهمترین عوامل نابرابری‌های اجتماعی و بی عدالتی است بنابراین عدالت و رضایت اجتماعی بواسطه انطباق قوانین با شرایط طبیعی محقق می‌شود. (روسو، ۱۳۹۰: ۲۰۳) اندیشه کانت نیز همچون روسو در مقابل سنت هابزی از مفهوم عدالت قرار داشت و تلاش کرد تا مفهوم اخلاق را به حوزه عدالت بازگرداند و برای آزادی‌های فردی چارچوبی قرار دهد.

نئولیبرال‌هایی جدید چون «هایک»، «نوزیک»، «رالز» و «فریدمن» قوانین بازار و نظم خود جوش آن را به نفع همگان و سبب تحقق حقوق طبیعی می‌دانند. آن‌ها به یک منطق کلی حاکم بر خلقت و زندگی بشری اعتقاد دارند که همه امور را به اعتدال سوق داده و اهداف عادلانه‌ای چون رقابت کامل را ترسیم می‌نمایند؛ البته ابزار تحقق آنرا مکانیزم بازاری می‌دانند که از هر نوع دخالت و انحصار، آزاد است. (رستمی، ۱۳۸۵: ۱۱۸) رالز، عدالت را چارچوبی می‌داند که در آن افراد مختلف می‌توانند به اهدافشان نایل شوند. رالز اولویت خود را عدالت نهادهای اجتماعی معرفی می‌کند و در خصوص انواع معانی عدالت، بین عدالت اعطایی و توزیعی تفاوت قایل می‌شود و نظریه خویش را مربوط به عدالت توزیعی می‌داند (بی‌تلیس، ۱۳۸۵، ۹۱). وی عدالت اعطایی را این طور تعریف می‌کند: هرگاه مقصود، تقسیم چیزی مطلوب میان کسانی باشد که در پیدایش آن چیز نقشی نداشته و در نتیجه نسبت به آن نمی‌توانند به طور مشروع ادعایی داشته باشند، تقسیم عادلانه آن چیز از موضوعات عدالت

اعطایی خواهد بود. در مقابل، عدالت توزیعی مربوط به شیوه تقسیم موارد خیر و مطلوب میان افرادی است که در پیدایش آنها نقش داشته اند و در نتیجه پیش از تقسیم، هر یک از آنها نسبت به سهم خویش ادعایی مشروع دارند. از نظر رالز، تقسیم منافع در زندگی اجتماعی، جزء موضوعات عدالت توزیعی است. (بی تلیس، ۱۳۸۵: ۹۱) آمارتیا سن نیز بر مفاهیم جدید عدالت در حوزه‌ی توزیع امکانات شامل آزادی‌ها و فرصت‌ها تأکید می‌کند و معتقد است از آنجا که تبدیل امکانات اولیه به آزادی انتخاب میان طبقات مختلف و ترکیب عملکردها و دستاوردها برای افراد مختلف متفاوت است، برابری در داشتن امکانات اولیه ممکن است با نابرابری‌های جدی همراه باشد. پس نابرابری‌های اجتماعی را به شرط آنکه موجب افزایش انگیزه و کارایی شود می‌پذیرد و معتقد است که اگر به افراد توانا تر قابلیت‌های بیشتری در اداره حکومت داده شود به نفع همگان خواهد بود. (رستمی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) فریدریش هایک عدالت را دست نیافتنی و بدور از واقعیت ترسیم می‌کند و آنرا مفهومی دست نیافتنی مبتنی بر دیدگاه‌های معیوب از بازار می‌داند. از نظر او اجتماع و بازار را نمی‌توان منصفانه یا غیر منصفانه توصیف کرد، زیرا بازار شبیه به یک پدیده طبیعی است. به باور او، توزیع نابرابر ثروت در یک نظام بازار، بهترین توزیع است. حتی برای کسی که کمتر از همه منتفع می‌شود. به همین دلیل او نظم خود جوش را به نظم ساخته شده ترجیح می‌دهد (غنی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۴).

در مجموع، مفهوم عدالت در غرب ابتدا مفهومی انتزاعی و مبتنی بر وضع طبیعی داشت. این مفهوم در قرون وسطی خیلی تغییر نکرد و حتی بیش از پیش مفهومی مبتنی بر قانون لایتغیر و محتوم الهی پیدا کرد؛ در عصر روشنگری دو سنت فکری پیرامون مفهوم عدالت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد: عدالت در سنت هابزی در مفاهیمی همچون سرشت پلید بشر، تأمین امنیت، کسب لذت و کاهش رنج و البته آزادی متبلور می‌شد و در مقابل سنت روسویی و کانتی با نگاهی خوش بینانه به ذات بشر و تأکید بر رعایت اصول اخلاقی قابل فهم است. البته این دو جریان در زمینه اهمیت مفهوم قرارداد اجتماعی با یکدیگر اشتراک نظر داشتند. مفهوم عدالت در نزد اندیشمندان پست مدرن نیز همان دو سنت پیشین را با اصلاحاتی در پیش گرفت و در مقابل مفهوم مبتنی بر سود، با مولفه‌های اقتصاد و بازار با نظریه‌های اندیشمندان همچون هایک و نوزیک و مفهوم مبتنی بر اخلاق و فضیلتی که می‌توان آن را از محتوای اندیشه نظریه پردازان جماعت گرایی چون راولز و مک اینتایر استنباط نمود.

### ۳) مفهوم عدالت در اندیشه ایرانی‌شهری

در اندیشه ایرانی‌شهری گاهی عدالت تفسیری تقلیل‌گرایانه و البته واقع‌گرایانه پیدا می‌کند. یکی از ویژگی‌های مفهوم عدالت در اندیشه ایرانی‌شهری مفهوم سیال و متکثر آن است که مفاهیمی همچون ساماندهی طبیعت، تحقق فرامین الهی، رواج دین بهی و جلوگیری از شیوع بد دینی، راستی و پرهیز از دروغ و... را در خود نهفته دارد؛ مهمترین وظیفه حاکمان و مشروعیت آنان بر مبنای عدل سنجیده می‌شود و بی‌توجهی به دادگری موجب اخلال در نظام طبیعت و خشکسالی می‌شود البته این را نباید از نظر دور داشت که مفهوم عدالت در منابع اندیشه ایرانی‌شهری به عوامل مختلف تاریخی و اجتماعی و فرهنگی نیز ارتباط دارد و نمی‌توان همواره یک تعبیر یگانه از آن را به کار برد. (امینی، ۱۳۹۴: ۱۳) در اندیشه ایرانی‌شهری اهورا مزدا، آفرینش‌گری عادل و راست کردار است که آفرینش او بر پایه نظم قوام می‌یابد (رضایی راد، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در این اندیشه اش «asa» به معنای قرار گرفتن مفهوم نظم در دل راستی و درک آن به عنوان فضیلتی اخلاقی است که ریشه در اندیشه‌های ایرانی‌شهری دارد. اندیشه دادگری نزد ایرانیان مبتنی بر همین تفکر است و انتخاب دیاکو، نخستین شهریار ایرانی، بر مبنای اهمیت عدالت شکل گرفته است (رضایی راد، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

آشه در معنای وسیع آن وجود یک نظم مقدس کیهانی را بر کل هستی القاء می‌کند. مطابق این قانون، هستی از سامان پیش تعیین شده‌ای برخوردار است که همه اجزای عالم را در بر می‌گیرد که می‌توان آن را برابر با مفهوم عدالت ترسیم نمود. (کوهکن، ۱۳۹۶: ۸۰) در دینکرد یکی از متون پهلوی آمده است که دین خرد (منظور دین زرتشت است) به مانند درخت تنومندی است که دارای یک تنه، دو شاخه اصلی، سه شاخه فرعی و چهار شاخه کوچکتر است و آن تنه اصلی که ستون فقرات اندیشه ایرانی‌شهری را پایه ریزی می‌کند عدالت و دادگری است. (پولادی، ۱۳۹۴: ۳۸) یکی از مهمترین کارکردهای یک شهریار آرمانی در اندیشه ایرانی‌شهری به عنوان نماینده زمینی اهورا مزدا، بسط و گسترش داد، است. مؤلفه عدالت به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های شهریار آرمانی در آبخورهای اندیشه ایرانی‌شهری به چشم می‌آید. در کتاب «جاویدان خرد» عدالت، استوارترین پایه حکومت آرمانی و کوشش برای استقرار و گسترش آن، مهمترین وظیفه پادشاه است. مفهوم برآمده از عدالت در این کتاب معنای نظم طبقاتی، دفع ظلم و میانه روی و برقراری امنیت را به ذهن متبادر می‌سازد. (ابن مسکویه، ۱۳۵۵: ۱۰۸۰-۸۶) در «نامه تنسر» به عنوان یکی دیگر از آبخورهای اندیشه ایرانی‌شهری، عدالت وقتی به ارمغان می‌آید که جامعه ضمن پیروی از سنت که بر پایه حکومت

گذشتگان بوجود آمده، هر طبقه باید اخلاق صنفی و طبقاتی خود را رعایت کند. در این اثر، مجموعه‌ای از صفات شجاعت، قوت، شایستگی و عقل می‌تواند اعضای جامعه را در کنار هم قرار دهد و عدالت را برقرار سازد. (خرمشاد و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۸) در «کارنامه اردشیر بابکان» به عنوان یکی دیگر از سرچشمه‌های اصیل اندیشه ایرانی شهری، عدالت در مفاهیمی همچون حفظ نظم طبقاتی، برقراری امنیت و پیروی از سنت معنا می‌یابد. (خرمشاد و اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۹) اردشیر بابکان سامان دهی سپاه و جمع آوری مال و آبادانی کشور را معلول برقراری عدالت در جامعه می‌داند، خواجه نظام الملک برقراری امنیت و نظم را از آن برداشت می‌کند و فردوسی نیز در شاهنامه مفاهیم دیگری همچون راستی، دوری از ظلم و... را معلول عدالت ورزی شهریاران می‌داند.

پس از مطالعه بیشتر آبخورهای اصیل اندیشه ایرانی شهری به این نتیجه می‌توان رسید که اهورامزدا به عنوان شهریار آسمانی، قدرت زمینی را به پادشاه یعنی شهریار زمینی واگذار می‌کند و شهریار موظف است که ضمن حفظ سامان و نظم طبقاتی اجتماعی امنیت را برای شهروندانش به ارمغان آورده و از ستم رفتن بر مردمانش جلوگیری نماید.

### ۱-۳- مفهوم عدالت در اندیشه فردوسی

فردوسی و خرد نامه گرانقدر او از منابع اصیل و مهم درک اندیشه ایرانی شهری است (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۸۰). نگرش سیاسی به شاهنامه، گاهی بر پایه مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی همچون دادگری قابل تبیین است (رستموندی، ۱۳۸۷: ۱۱). واژه «داد» به عنوان اساسی‌ترین مفهوم سیاسی شاهنامه شناسایی و استوارترین رکن بینش فلسفی \_ سیاسی شاهنامه تلقی می‌شود. فردوسی با بهره‌مندی از اندیشه‌های ایرانی شهری و بهره‌گیری از مقوله عدل در فقه شیعه، داد و عدالت را با روح شاعرانه خویش آمیخته و منطق خرد ورزانه‌ای به آن می‌بخشد. (جوانشیر، ۱۳۸۰: ۸۰) مسکوب در تبیین واژه داد در شاهنامه آن را از مفهوم اشته در اندیشه ایرانی شهری می‌داند و در کتاب «ارمغان مور» خردمندی را سرچشمه دادورزی در شاهنامه عنوان می‌کند که شهریار به عنوان نماینده زمینی اهورامزدا وظیفه برپایی عدالت در جامعه را برعهده دارد (مسکوب، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۵۸).

کزازی نیز پیرامون اهمیت «داد» در شاهنامه و اندیشه فردوسی معتقدند: «شاهنامه تنها نامه خرد نیست نامه داد هم هست، داد در مفهوم شاهنامه‌ای آن کمابیش برابر با آیین و سامان است. داد در شاهنامه بازتابی از آن داد هستی شناختی است. جهان بر داد بنیاد گرفته است و اگر داد نمی‌بود دانش‌های گوناگون پدید نمی‌آمد. در شاهنامه هیچ بیدادگری نمی‌تواند در

آرامش و بهروزی زندگی کند چون با جهان هماهنگ نیست.» (کرازی، ۱۳۸۸: مجموعه سخنرانی درباره شادی در شاهنامه)

((داد)) در شاهنامه گاه به معنای راستی و پرهیز از دروغ آمده است:

مبادا مرا پیشه جز راستی      که بیدادی آرد همه کاستی  
ابا هر کسی، رای ما راستی است      ز بیداد کردن، سر ما تهی ست

(نامه باستان، ج ۹: ایات ۳۰-۲۹)

درجایی دیگر از شاهنامه حتی تصویربیدادگری برای شهریار موجب کم شدن روزی و آشکار شدن زشتی‌ها می‌شود.

چو بیدادگر شد جهاندار شاه      ز گردون نتابد، بیایست، ماه  
به پستانها در، شود شیرخشک      نبوید به نافه درون، نیز مشک؛  
زنا و ربا آشکارا شود      دل نرم چون سنگ خارا شود.

(نامه باستان، ج ۷: ایات ۵۱۳۹-۵۱۳۷)

در شاهنامه گاهی داد در معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش و سامان مندی و نظم اجتماعی، به کار برده می‌شود؛ (نامه باستان، ج ۸: ایات ۴۹۵۵-۴۹۵۰) و گاهی نیز در معنای آبادانی و پیشرفت جامعه مفهوم می‌یابد. (نامه باستان، همان: بیت ۳۱۱۵)

خلاصه اینکه برخی از مؤلفه‌های مهم داد در شاهنامه دهش و بخشندگی، راستی و درستکاری شهریار، سامان مندی جامعه، میانه روی و اعتدال، احساس مسوولیت شهریار در قبال مردم هستند.

### ۲-۳- مفهوم عدالت در اندیشه خواجه نظام الملک

طباطبایی، سیاستنامه‌ی خواجه نظام الملک را مهمترین نوشته‌ی دوره اسلامی در تداوم بخشیدن به اندیشه ایرانشهری معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۸۱) نظام الملک بنیان مملکت داری را به عدل و دادگستری استوار می‌داند و این نکته را بارها به صورت‌های گوناگون در کتاب سیاست نامه که عمده‌ترین منبع برای شناخت اندیشه‌های اوست، متذکر می‌شود. رضای حق تعالی و قدرت سلطان ملک‌شاه و اصلاح لشکر و رعیت را به عدل و احسان می‌بیند. همان طور که گفته شد در اندیشه ایرانشهری شهریار نماینده زمینی خداوند است و خواجه نظام الملک نیز عدالت را مهمترین ویژگی پادشاه معرفی می‌کند. خواجه در فصل سوم سیاستنامه پیرامون لزوم دادگری پادشاه این گونه می‌آورد: «چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشینید و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن

رعیت به گوش خود بشنود بی واسطه ای». (نظام الملک، ۱۳۹۱: ۱۲) او در جاهای گوناگون رساله خود برای تأکید بر حفظ نظم و سامان اجتماعی و طبقاتی با تأکید خاصی از نقش فرمانروای دادگر سخن می گوید و بر اهمیت دادگری شهریار تأکید می کند و نظم و آرامش کار مردم را جز از طریق عدل شاهی میسر نمی پندارد. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۰) خواجه این گونه می آورد: «مقصود این است که چون روزگار نیک فراز آید و زمانه بیمار نگردد. نشانی آن باشد که پادشاه نیک پدید آید و اهل فساد را مالش دهد و وزیر و پیشکاران نیک باشند و هر کاری کاردان را فرماید که اهلیت دارند و دو شغل یک کس را فرمایند و پادشاه از رعیت پرسیده باشد و کودکان را بر نکشد و تدابیر با پیرو دانایان کند و کاوها را به قاعده‌ی خویش باز برد تا کارهای دینی و دنیاوی به نظام بود و هر کس را به اندازه‌ی کفایت او عمل بود و هر چه به خلاف این رود، رخصت ندهد و کما بیش کارها به ترازوی عدل و سیاست راست گردد». (نظام الملک، همان: ۱۸۲) خواجه ظلم بر رعیت را به چند نوع تقسیم کرده و معتقد است پادشاه باید این ظلم‌ها را از بین ببرد تا عدالت محقق گردد. در واقع خواجه تنها به تحقق عدالت توجه ندارد بلکه هدف او تحقق بی عدالتی نیز هست. (قزلسفلی، ۱۳۹۵: ۱۹).

این ظلم‌ها عبارتند از:

- جلوگیری از ظلم شاه بر رعیت.
  - جلوگیری از ظلم وزیر بر رعیت.
  - جلوگیری از ظلم عمال بر رعیت.
  - جلوگیری از ظلم مقطعان (کسانی که زمین از حکومت به عاریت می گرفتند) به رعیت
  - جلوگیری از ظلم مردم به یکدیگر
- در یک مفهوم شناسی دیگر عدالت در اندیشه خواجه نظام الملک به چند معنی دیگر تفسیر می شود:
- عدالت به معنای قرارداد هر چیز در جای خودش که عمده‌ترین مفهوم عدالت از منظر خواجه می باشد.
  - عدالت به معنای راستی و راست کرداری که در اندیشه ایرانشهری هم مورد تأکید است.
  - عدالت به معنای میزان و ترازوی فضایل و همه نیکی‌ها که آنرا از اندیشه اسلامی وام گرفته است.
  - عدالت به معنای حد وسط و میانه روی که با استناد به حدیث پیامبر اسلام پادشاه را به میانه روی توصیه می کند.

- عدالت در حوزه قضا و به معنای تناسب و تساوی جرم یا مجازات. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۰: ۹-۱۰)

#### ۴) مفهوم‌شناسی عدالت در نزد برخی از متفکران اسلامی

با بررسی کلمه عدل در منابع اصیل اندیشه اسلامی (قرآن و سیره معصومین) به معانی و مفاهیم متنوعی روبرو می‌شویم، این معانی عبارتند از راستی، درستی، موزون بودن، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حقدار و رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود از سوی خداوند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۹) اهمیت و جایگاه عدالت در اندیشه اسلامی بسیار واضح و روشن است و با اندکی تأمل در متون دینی اسلام، این اهمیت قابل فهم است. عدالت در اندیشه فارابی، نخستین فیلسوف نظام ساز در اسلام، پیرامون مسئله نابرابری شکل گرفته است. محمد رستمی برای تبیین مفهوم عدالت از نگاه فارابی چارچوب زیر را ارائه می‌کند:

الف) گیتی بر اساس اعتدال است و هر چیز در جایگاه واقعی خود جای گرفته است  
ب) نظام هستی عرصه کمال و سعادت انسان است. کمال آدمی تنها از اعتدال روحی به وجود می‌آید.

ج) عدالت به معنای تحقق استعداد است و هر شی می‌تواند صورت‌های متعددی را بپذیرد و عدل آن است که به هر شی‌ای صورتی کامل تر اعطاء شود.

د) انسان‌ها نیز می‌باید تمام استعدادهای خود را شکوفا کرده و به کمال برسانند. تفاوت استعدادها تنها مسئولیت‌ها را متفاوت می‌سازد.

ه) نفس انسان مرکب از قوای متعدد است و اعتدال در قوای او، عدالت نام دارد. (رستمی، ۱۳۸۵: ۱۲۲)

از نظر ابن خلدون یکی دیگر از متفکران اسلامی، کاملترین عدالت به دنبال اجرای سیاست شرعی می‌تواند تحقق یابد و این امر فقط در آغاز حکومت شرعی و در کوتاه زمانی از حکومت رسول اکرم (ص) بود که هنوز عمران و آبادانی و ثروت تکامل نیافته بود و بعد از آن زمان، بیشتر حکام متکی بر جور و ستم بوده‌اند؛ زیرا عدل محض در عهد خلافت، شرعی است و آن نیز کم دوام بود. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۲۶۲) همچنین عدالت در اندیشه ابن خلدون ارتباط معنا داری با مفهوم میانه روی و اعتدال دارد و به همین علت وی معتقد است که اعتدال محیط بر اعتدال رفتار انسان مؤثر است و افرادی که در تمام مراحل زندگی اعتدال را رعایت کنند از کجروی و انحراف دور هستند. (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۹۴) شهید مطهری در تعریف عدالت می‌گوید: «عدالت عبارتست از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری

به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود؛ نقطه‌ی مقابل ظلم است، یعنی آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند». (مطهری، ۱۳۹۴: ۸۸) وی در بیان ارکان اساسی انقلاب اسلامی بر سه رکن استقلال و آزادی، معنویت و عدالت اجتماعی، البته با تاکید بر عنصر تقوا و معنویت تاکید می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۵) از دیدگاه او عدالت و تلاش برای بدست آوردن آن همسو با گرایش‌های فطری و ذاتی انسان است و در دیگر سو ظلم و ستم در برابر سرشت آدمی قرار دارد؛ ایشان می‌گویند:

«بشریک چیزهایی را به حکم نهاد و فطرت خودش می‌خواهد، یعنی هیچ دلیلی بر خواستن آنها ندارد و جزء ساختمان جسمی و روحی اش است». (مطهری، همان: ۸۹) در واقع از نظر شهید مطهری دلیل اصلی استقبال فردی انسان از عدالت، به این دلیل است که عدالت با فطرت آدمی پیوندی عمیق و معنادار دارد. (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۰) ایشان در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود غنای اندیشه‌ای و عملی در اسلام پیرامون عدالت، هرگز این مفهوم و آرمان در جامعه اسلامی پیاده نشد و جامعه اسلامی دچار بی‌عدالتی گشت، معتقدند که تفاسیر متحجرانه و قشری مآبانه از یک قانون خوب، راه به جایی نمی‌برد و این سرنوشت عدالت در طول اعصار گوناگون بود که تفسیر عدالت از سوی عده‌ای قشری مآب و متعبد نما وارد عرصه زیست جهان اسلام شد. (حاتمی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۲۳۹) فوزی در یک تقسیم‌بندی از مفهوم عدالت در متن دینی و بویژه قرآن چند مفهوم ویژه از آنرا تبیین می‌نماید:

عدالت به عنوان محور تکوین عالم و گرایش فطری بشر به آن که باتکیه بر تفاسیر برخی آیات قرآنی همچون آیه هشت سوره آل عمران و انفطار قابل فهم است.

دستورات الهی برای اقامه عدالت به مردم که در آیات ۹ سوره نحل<sup>۱</sup> و یا ۳۵ سوره نساء آمده است.

عدالت به عنوان هدف غایی رسالت انبیاء از جمله آیه ۲۵ سوره حدید.<sup>۲</sup>

۱ - «الذی خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (انفطار/۸)

۲ - «انَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹)

۳ - «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

(حدید/۵)

تدوین قوانین الهی براساس عدالت با تکیه بر آیه ۲۹ سوره اعراف<sup>۴</sup>  
عدالت به عنوان آرمان نهایی جامعه اسلامی

عدالت به عنوان مهمترین ویژگی کارگزاران سیاسی و از اهداف نظام سیاسی اسلام (فوزی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۰) در پژوهشی دیگر، پس از آنکه چندین معنای مستفاد شده از مفهوم عدالت در میان آراء کلیه اندیشمندان و نحله‌های فکری اسلامی بیان می‌گردد، دو تعریف از مفهوم عدالت به صورت مصرح در منابع دینی و نگاه اندیشمندان مسلمان قابل درک است:

۱- عدالت به معنای: «وضع کلی شیء فی موضعه» یا قرارداد هر چیز در جای مناسب

خویش

۲- عدالت به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» یا رساندن حق به حقدار و استیفای حقوق و عطاء به میزان استحقاق (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۰) از آنچه که پیرامون مفهوم عدالت در اندیشه اسلامی به ذهن متبادر می‌شود این گونه می‌توان انگاشت که در اندیشه اسلامی عدالت ماهیتی قدسی و الهی و آرمانی دارد که مهمترین قانونگذار آن خداوند می‌باشد و برخلاف اندیشه ایرانی شهری که شهریار نماینده زمینی اجرا کننده عدالت است، پیامبران و منسوبان به آنها این وظیفه را بردوش می‌کشند که مستقیم یا غیرمستقیم با الهام از منبع قانونگذار اصیل که خداوند است، ارتباط دارند و دستیابی به عدالت را پروسه‌ای طولانی و پر مشقت تعریف کرده که آرمان نهایی جامعه اسلامی را سامان می‌بخشد.

### ۵) سیر تحول مفهوم عدالت بعد از انقلاب اسلامی

عدالت به عنوان اصل بنیادین نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی و اندیشه رهبران نظام تجلی بارزی دارد. امام خمینی در بیانات خود می‌فرماید: «مقصود انبیاء از کوشش‌ها و جنگ‌هایی که با مخالفان خود می‌کرده اند، کشور گشایی و اینکه قدرت را از خصم بگیرند و در دست خودشان باشد، نبوده؛ مقصد این بوده که یک نظام عادلانه به وجود آورند تا به وسیله آن، احکام خود را اجرا کنند.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۷: ۶۷) ایشان در تشریح هدف انقلاب و تعریف عدالت معتقدند مهمترین هدف انقلاب اسلامی برقراری عدالت اسلامی است که حتی تاب تحمل ظلم به یک زن یهودی را ندارد و رهبر جامعه و شهروندان در پیشگاه قانون یکسان تصور شوند. (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۸۱) آیت الله خامنه‌ای (مدظله) نیز

<sup>۴</sup> - «قُلْ أَمْرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف/۲۹)

اصلی‌ترین ضرورت کنونی جامعه فعلی را بر پایه عدالت می‌دانند و تأکید ایشان بر اهمیت عدالت تاجایی است که جمهوری اسلامی بدون عدالت را خالی از محتوا معرفی می‌کنند. (نیکنام، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

در ادامه پژوهش سعی می‌کنیم دولت‌های بعد از انقلاب را که بیشترین اثر گذاری اجتماعی را حول مقوله‌ی عدالت داشته‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. در نخستین دولت هشت ساله بعد از انقلاب که با ریاست جمهوری مقام معظم رهبری تشکیل شد، مهمترین دغدغه مسئولان دولت آن زمان که در شرایط ویژه جنگ تحمیلی قرار داشت، توجه به مقوله عدالت بود. به منظور تحقق آرمان عدالت، دولت وقت سعی کرد با دخالت در تمامی حوزه‌های اقتصادی، کنترل و نظارت بر اقتصاد را افزایش دهد تا امکان سازمان دهی منسجم امکانات بهتر فراهم گردد. در آن مقطع دولت سعی کرد با بهره‌مندی از نیروهای انقلابی آن زمان، باز توزیع امکانات در میان اقشار جامعه را عملی نماید تا نشان دهد که مهمترین دغدغه‌ی آن برقراری عدالت اجتماعی است. (خواجeh سروی، همان: ۲۱) در واقع اولویت اصلی و مهم رئیس دولت زمان جنگ عدالت اجتماعی بود که ۲۹ درصد اقدامات آن دوره را در بر می‌گرفت. (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۱ - ۱۱۰) اندیشه عدالت در دولت سازندگی تحولی ویژه پیدا کرد. اعتقاد این دولت بر این بود که در سایه افزایش حجم سرمایه است که عدالت به معنای بهره‌مندی همه اقشار جامعه از قدرت اقتصادی و کاهش فقر فراهم می‌شود. از این رو، هدف عمده دولت سازندگی توسعه اقتصادی و کاهش نظارت دولت بر اقتصاد بود و مفهوم عدالت در این دوره نظام جمهوری اسلامی با اهداف اقتصادی دولت تعریف شد. (خواجeh سروی، همان: ۲۳) دولت سازندگی راه نیل به عدالت را توسعه اقتصادی می‌دانست و بر این باور بود که فقر ستون بی‌عدالتی در کشور است و با توسعه اقتصادی و ریشه‌کنی فقر در نهایت مسیر برقراری عدالت تحقق می‌یابد؛ اگرچه در کوتاه مدت ممکن است بخشی از اقشار پایین‌تر اجتماعی آسیب‌های جدی ببینند. (پروانه، ۱۳۹۴: ۹۲) به نظر می‌رسد تفاوت‌های اساسی میان گفتمان امام با گفتمان دولت سازندگی در مفهوم و هویت عدالت دیده می‌شود. در گفتمان امام، عدالت، صرفاً ماهیت اقتصادی ندارد و محدود کردن عدالت به حوزه توسعه اقتصادی، فهم نادرستی از عدالت مورد نظر انبیاست؛ چرا که عدالت مقبول فقط برای تامین رفاه مادی مدنظر نیست، بلکه تمام مراتب انسانیت را با هدف اصلاح همه انحرافات علمی، اخلاقی، اجتماعی و عقلی دربرمیگیرد. از همین روی تضعیف یا تعلیق برقراری عدالت به سود توسعه را می‌توان درک نادرستی از مفاهیم والای معنوی مدنظر

انقلاب و بنیانگذار آن دانست. (پروانه، همان: ۱۰۹) در دولت اصلاحات موضوع عدالت به مسئله‌ای ثانویه تبدیل شد و طرح عدالت به عنوان یکی از خروجی‌های توجه به آزادی معنا شد عدالت در گفتمان دولت اصلاحات، بیش از آنکه صبغه‌ای اقتصادی داشته باشد مفهومی سیاسی یافت که تحت عنوان توسعه سیاسی به حاشیه رفت. (خواجه سروی، ۱۳۸۶: ۲۷) عدالت در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، دال محوری گفتمان او بود؛ اما به جای رویکردهای توزیعی و شبه سوسیالیستی دولت جنگ، تلفیقی از رویکردهای پوپولیستی و نئوکلاسیک مورد استفاده قرار گرفت. وجه نئوکلاسیک آن را می‌توان در نوع اجرای طرح هدف مندی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها دید. همچنین این طرح دارای وجوه پوپولیستی مانند پرداخت یارانه‌های نقدی بود. در این دولت، گفتمان عدالت اقتصادی خود را پرنگ‌تر نشان داد و اقدام به اجرای پروژه‌های بزرگی همچون مسکن مهر و سهام عدالت نیز نمود، اما در عمل موفقیت این دولت در عرصه برقراری عدالت از سوی پژوهشگران راضی‌کننده نبود و موجب بروز فسادها و نابسامانی‌های متعددی در کشور شد. (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۹) دولت روحانی نیز، همچون دو دولت سازندگی و اصلاحات، گفتمانی مبتنی بر دولتی توسعه‌گر است که اولویت با توسعه اقتصادی است و این توسعه در گرو بهبود روابط با دولت‌های خارجی مفهوم پیدا می‌کند. گفتمان عدالت در دولت آقای روحانی به مثابه اعتدال و توسعه برای رسیدن به توسعه همچون کشورهای توسعه یافته، سیاست‌های نئولیبرالی را در پیش گرفته و به عدالت نه با عنوان یک غایت و آرمان، بلکه به دیدی ابزارگرایانه نگریسته می‌شود. (قریشی، همان: ۱۷۵)

جدول شماره ۱: مقایسه مفهوم عدالت در اندیشه ایرانی‌شهری و اندیشه اسلامی

عدالت در اندیشه انقلاب اسلامی	عدالت در اندیشه ایرانی‌شهری
هدف‌غایی عدالت	برقراری توحید، خود عدالت به عنوان یک آرمان
منبع قوانین	الهی و الگوگیری از سیره پیامبر و معصومین
کارگزاران	مفسومین و فقیه عادل
مفروض	فطرت خداجوی بشر
هدف عینی	امکان بهره مندی ذی حق از حق در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی
	حفظ نظام کیهانی و سامان مندی هستی
	کیهانی و بهره‌گیری از سنت پادشاهان قدرتمند
	شهریار آرمانی و وزیر خردمند
	حفظ نظم طبقاتی
	برقراری امنیت و دفع ظلم

## ۶) اندیشه‌های مقام معظم رهبری پیرامون عدالت

منطق رجوع به اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای، درس آموزی از دیدگاه‌ها و تجربیات یک متفکر اسلامی، مرجع دینی و حاکم اسلامی با موضوع عدالت است که منبع حائز اهمیتی در فهم معنای عدالت و نیز جایگاه آن در مسیر انقلاب اسلامی است. جایگاه عدالت اجتماعی در نظام هستی، ضرورت اقامه آن در نظام جمهوری اسلامی، سه گانه عدالت، عقلانیت و معنویت به عنوان پارچوب مفهومی اقامه عدالت اجتماعی، چستی عدالت اجتماعی و ارکان آن بنیادها و ساختار کلی موضوعی و اندیشه‌ای رهبری در عرصه عدالت می‌باشد. (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸) در اندیشه رهبری عدالت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و عام‌ترین مفهومی است که هم به وسیله خداوند موجب سامان مندی هستی گشته و هم در عرصه‌های زندگی اجتماعی انسان قابل تعریف است. در این دستگاه اندیشه ورزی عدالت فقط آرمان و آرزو نیست. بلکه ایشان راهکارها و راهبردهایی را برای رسیدن به آن ترسیم می‌کنند (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۱۲۱۰). رهبری معظم انقلاب مفهوم لغوی عدل را به معنای میانه و در اصطلاح هرچیز را در جای خود قرار دادن و بدون افراط و تفریط، بدون چپ روی و بدون راست روی تبیین نموده اند. (بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷) مقام معظم رهبری، اولین ویژگی متمایز کننده دین از سایر منابع معرفتی را آن می‌دانند که دین هدف خود را اقامه عملی عدالت قرار داده است و آن را هدفی برای تحقق عبودیت در حیات فردی و جمعی انسان می‌داند. ایشان مهمترین اصول راهبردی عدالت را ضرورت حاکم و ولی عادل، ضرورت تشکیل حکومت، فراگیر کردن گفتمان عدالت، مطالبه عدالت از مسئولین و فرهنگ سازی می‌دانند. لازمه تحقق عدالت در جامعه در قدم اول شناسایی ویژگی‌ها و شاخص‌های عدالت است؛ از همین روی در این بخش مروری به معیارهای مدنظر رهبری پیرامون عدالت خواهیم داشت.

۱- زمینه دستیابی به فرصت‌های برابر: اندیشه‌های رهبری در این زمینه در دو بخش قرار می‌گیرند؛ (جاویدی، ۱۳۹۲: ۵۶۳) نخست منظور ایشان از طرح مسئله فرصت‌های برابر، امکان ورود تمام افراد (البته با حفظ شرایط) در عرصه‌های شغلی و فعالیت‌های اجتماعی است که در این مسیر صرفاً تکیه بر مجراهای قانونی مورد نظر است؛ یکی دیگر از مزایای وجود فرصت برابر در جامعه، کسب در آمد مشروع برای همگان است تا بدین طریق امکان شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی بوجود نیاید (جاویدی، ۱۳۹۲: ۶۵۴).

۲- رعایت شایستگی‌ها در عرصه اجتماعی سیاسی: یکی از دغدغه‌های رهبری برای اجرای عدالت، ورود افراد توانا و برخوردار از تعهد و تخصص، به عرصه اجرایی کشور است چراکه از نظر ایشان بدون رعایت این مهم، امکان اجرای عدالت در جامعه اسلامی ممکن نیست (نرم افزار حدیث ولایت، بیانات در ۳/۶/۱۳۷۲: ۲۷۴).

۳- برخورداری از حق اظهار نظر و آزادی بیان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی: از نظر ایشان در نظام عادلانه اسلامی، تمام افراد جامعه از حق اظهار نظر و آزادی بیان برخوردارند.

۴- برخورداری از حمایت قانونی؛ ایشان ضمن تأکید بر لزوم ایجاد قانون عادلانه در نظام اسلامی، ویژگی قانون عادلانه را برابری و تساوی تمام افراد جامعه (مسئول و غیرمسئول) در برابر قانون می‌دانند. (جاویدی، ۱۳۹۲: ۲۶۳) راهکارهای عملی و اجرایی برقراری عدالت در اندیشه رهبری به چهار محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی تقسیم می‌شوند. (جاویدی، ۱۳۹۲: ۲۷۴ - ۲۷۱)

۱- ساز و کار سیاسی: در این بخش ایشان با تأکید بر دو مؤلفه گزینش صحیح مسئولان و لزوم مشارکت سیاسی آگاهانه امکان تحقق عدالت سیاسی را تبیین می‌کنند.

۲- ساز و کار اقتصادی: رفاه عمومی و توازن اقتصادی، دو اصل مدنظر ایشان در عرصه تحقق عدالت اقتصادی است؛ منظور از رفاه عمومی این است که تمامی افراد جامعه از امکان وضعیت اقتصادی مطلوب و متعارف در تمام زمینه‌ها بهره‌مند باشند و منظور از توازن اقتصادی، نبودن تفاوت فاحش فاصله طبقاتی در عرصه اجتماع است.

۳- ساز و کار فرهنگی: رهبری در این بخش از نظرات خود، مهمترین راهکار برای رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی را نظارت اجتماعی شهروندان جامعه اسلامی عنوان می‌کنند که این نظارت در قالب فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر اجرا می‌شود و موجب دغدغه‌مندی افراد اجتماع شده و بنابراین با حفظ چارچوب‌های دینی همچون بهره‌مندی افراد از تقوا، امکان نظارت و هدایت بر رفتار مسئولان از سوی تک تک افراد جامعه وجود دارد.

۴- ساز و کار حقوقی: در این شیوه با رعایت درست و همه‌جانبه قانون و احترام به آن امکان برقراری عدالت وجود دارد. قانونگرایی بدین معناست که همه افراد جامعه در برابر قانون مساوی هستند و شرایط اجتماعی افراد دلیلی بر برتری کسی در پیشگاه قانون نیست.

## نتیجه گیری

تبیین جایگاه و مفهوم عدالت در ساحت دو اندیشه مورد بررسی قرار گرفت. با عنایت به آراء اندیشمندان اسلامی و اندیشمندان اندیشه ایران شهری می توان در چند عرصه دیدگاه‌های آنها را تبیین نمود و درک نمود.

چیستی عدالت: با مرور نظرات این متفکران مشخص شد که عدالت در اندیشه ایران شهری که برگرفته از قانون آشه می باشد به معنای حفظ نظم کیهانی و سامان مندی هستی است که منشأ این قوانین طبیعی است. لیک با بررسی اندیشه و رزان انقلاب اسلامی این گونه دریافتیم که عدالت به معنای میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط و قرارداد هر چیز در جای شایسته آن، مفهوم می یابد ضمن آنکه منشأ این قوانین نیز الهی و دینی است.

ضرورت عدالت: در اندیشه ایران شهری با توجه به مفهوم سیال و متفاوت آن گاهی ضرورت‌های متفاوت پیدا می کرد ولی آنچه که برای فردوسی و خواجه نظام ضرورت برقراری عدالت را اجتناب ناپذیر می ساخت. رقراری امنیت و دفع ظلم در جامعه بود: در میان اندیشمندان اسلامی ضرورت عدالت در این خلاصه شد که در جامعه می بایست امکان بهره مندی از حقوق فرد به او داده شود و بسترهای مساوی برای افراد در نظر گرفته شود تا هر کس متناسب با تلاش و همت خودش امکان بهره مندی از نعمت‌های مادی و معنوی را بدست بیاورد.

راهکارها: در اندیشه ایران شهری مهمترین راهکار برای گسترش عدالت، پیروی از تفکرات و سیاست‌های شهریار یا حاکم آرمانی است. در اندیشه اسلامی مهمترین راهکار برقراری قوانین الهی به واسطه تشکیل حکومت اسلامی می باشد.

هدف از برقراری عدالت: در اندیشه ایران شهری مهمترین هدف به هم نخوردن نظم کیهانی و طبیعی موجود بود لیک در اندیشه انقلاب اسلامی خود عدالت غایت نهایی متصور می شود که نهایتاً به برقراری توحید در جامعه تبدیل خواهد شد.

کلام آخر این که میان این دو نوع اندیشه شباهت‌ها و تفاوت‌های گوناگونی به چشم می آید و متوجه شدیم عدالت، به عنوان هدف نهایی در جامعه مورد توجه اندیشمندان انقلاب اسلامی تفسیر شده است که با اتکا به قوانین الهی و بهره مندی از عقل اجتهادی شیعه، راهکارهای آن بررسی شد و در اندیشه ایران شهری، عدالت اگرچه منشأ طبیعی و تغیرناپذیر کیهانی داشت ولی سیالیت مفهوم آن در تفکرات اندیشه و رزان آن قابل مشاهده بود.

جدول شماره ۲: نتیجه گیری

عدالت در عرصه	اندیشه انقلاب اسلامی	ایران شهری
۱) چستی	بهره مندی ذی حق از حق و قراردادن هرچیز در جای خودش	برگرفته از قانون آشه به منظور حفظ نظم کیهانی
۲) ضرورت	استیفای حق برای فرد صاحب حق به منظور تعالی معنوی و مادی	برقراری امنیت و دفع ظلم
۳) راهکارها	برقراری و تدوین قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی	پیروی از شهریار آرمانی اخلاق مدار
۴) هدف	برقراری عدالت و بر پایی جامعه توحیدی هدف نهایی	برهم نخوردن نظم کیهانی
۵) منشأ حق	دینی - الهی	طبیعی

## منابع و مآخذ:

- فلاطون: ۱۳۹۰، **جمهور**، ترجمه فواد روحانی، تهران، چاپ سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی
- امینی؛ علی اکبر: ۱۳۹۴، **مفهوم و جایگاه دادگری در اندیشه ایرانی اسلامی با تکیه بر شاهنامه**، همایش ملی علوم انسانی
- اخوان کاظمی، سهام: ۱۳۷۸، **مقدمه‌ای بر جایگاه عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام**، فصلنامه پژوهش‌های دانشگاه امام صادق، ش دهم، تابستان
- اخوان کاظمی، بهرام: ۱۳۸۰، عدالت و خود کامگی در اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک، **فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه تهران**، دوره ۵۴ زمستان
- بشیریه، حسین: ۱۳۸۲، **عقل در سیاست**، تهران، نشر نگاه معاصر
- پروانه، محمود: ۱۳۹۴، **نقد گفتمان دولت سازندگی: فصلنامه علمی-تخصصی اندیشه ولایت**، س اول، ش اول، بهار و تابستان
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق و دیگران: ۱۳۹۶، **فهم اندیشه رهبری پر باره عدالت**، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- جمشیدیپناه، غلامرضا و شکوه دیباجی: ۱۳۹۵، **مفهوم عدالت از دیدگاه فارابی و ابن خلدون**، **مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی**
- بی تالیس، رابرت: ۱۳۸۵، **فلسفه راولز**، ترجمه خشایار دیبیمی، تهران، انتشارات طرح نو
- عنایت، حمید: ۱۳۸۴، **بنیاد فلسفه سیاسی در غرب**، تهران، چاپ چهارم، انتشارات زمستان
- جونز، ورت: ۱۳۸۸، **خداوندان اندیشه سیاسی**، ترجمه علی رامین، تهران، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر
- قانادی، محمد و گلشنی: ۱۳۹۵، **روش تحلیل محتوا از کمی گرای تا کیفی گرای**، **فصلنامه روش و مدل‌های روان‌شناختی**، س هفتم، ش بیست و سه
- غنی نژاد، موسی: ۱۳۸۱، **درباره هایک**، تهران، نشر نگاه معاصر
- طباطبایی، سیدجواد: ۱۳۹۲، **خواجه نظام الملک طوسی**، انتشارات مینوی خرد، تهران
- طباطبایی، سیدجواد: ۱۳۸۸، **درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران**، انتشارات کویر، چاپ دهم، تهران
- طباطبایی، سیدجواد: ۱۳۷۹، **بن خلدون و علوم اجتماعی**، تهران، چاپ دوم، انتشارات طرح نو
- طوسی، خواجه نظام الملک: ۱۳۹۱، **سیاستنامه**، به کوشش جعفر شعار، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم
- قزلسفلی، محمدتقی و صبا معاش ثانی و حمید مفری: ۱۳۹۱، **فرمانروایی به مثابه عدالت: تأملی در اندیشه خواجه نظام الملک**، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، ش ۱۷، دوره ۵، پاییز ۹۱
- حاتمی، محمدرضا و رحمانی، **عدالت در اسلام**، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی
- خمینی، روح‌الله: ۱۳۷۰، **صحیفه نور**، جلد ۷ و ۸
- مطهری، مرتضی: ۱۳۹۴، **مهدویت**، انتشارات بینش مطهر، تهران
- مطهری، مرتضی: ۱۳۹۴، **عدالت**، انتشارات بینش مطهر، تهران
- مطهری، مرتضی: ۱۳۸۷، **آینه نده انقلاب اسلامی ایران**، تهران، چاپ بیست و نهم، انتشارات صدرا
- بیانات رهبری در دیدار قشرهای مردم به مناسبت ولادت امیر المؤمنین: ۱۳۷۱/۱۰/۱۷
- دیدار با مسئولان و کارگزاران به مناسبت عید سعید میبخت: ۱۳۷۵/۹/۱۹
- بیانات رهبری در دیدار با مسئولان به مناسبت عید سعید میبخت: ۱۳۷۱/۱۱/۱
- بیانات رهبری با اقشار مردم به مناسبت نیمه شعبان: ۱۳۸۱/۷/۳
- نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- قریشی، فردین و محمد باقر علیزاده و رحیم زابیر کعبه: ۱۳۹۶، **تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی**، **فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، دوره ۶، ش ۲، پاییز و زمستان
- خواجه سوری، غلامرضا: ۱۳۸۶، **فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی**، **شهریه دانش سیاسی**، دوره ۳، ش ۶، پاییز و زمستان
- نیکبام، احمد و محمدرضا هلالی: ۱۳۸۴، **دولت عدالت**، قم، چاپ چهارم، انتشارات تسنیم اندیشه
- حسین زاده، محمدعلی: ۱۳۸۶، **گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- رستمی، محمدعلی: ۱۳۸۴، **عدالت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی**، **مجله جستارهای اقتصادی**، ش ۴، پاییز و زمستان
- مهاجر نیا، محسن: ۱۳۸۸، **فلسفه عدالت در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری**، **فصلنامه قسبات**، ش ۵۱، بهار ۸۸
- خسروپناه، عبدالحسین: ۱۳۹۶، **منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای**، ج دوم، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، تهران
- فوزی، یحیی: ۱۳۹۳، **عدالت در اندیشه سیاسی اسلام**، مفهوم‌ها و راهبردها، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، س اول، ش ۱، پاییز
- جلیلی، علیرضا و محمدعلی متفکر آزاد و فیروز فلاحی: ۱۳۹۷، **عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک**، راز، شهید مطهری و شهید صدر، **دو فصلنامه علمی پژوهشی دستارهای اقتصادی ایران**، ش ۲۹، بهار و تابستان ۹۷
- رضایی راد، محمد: ۱۳۸۹، **مبانی اندیشه سیاسی در خردزدایی**، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، تهران
- کوه کن، محمودرضا: ۱۳۹۶، **روند تبیین اندیشه سیاسی ایرانشهری**، انتشارات پژوهش‌های فرهنگی
- پولادی، کمال: ۱۳۹۴، **تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران**، انتشارات مرکز، چاپ پنجم، تهران
- ابن مسکویه، احمدبن محمد: ۱۳۵۵، **جاویدان خرد**، مترجم: تقی الدین محمود دوشوشتی، انتشارات دانشگاه تهران

- خرمشاد، محمدباقر و روح الله اسلامی؛ ۱۳۹۲ **فراز و فرود حکومت‌مندی در عصر سانیان** (نامه تنسر و کارنامه ارد شیر بابکان)، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۸
- رستموندی، تقی؛ ۱۳۸۷، آزاداد: آسیب شناسی سیاسی شهریاری در شاهنامه، فصلنامه سیاست نظری، سال اول زمستان و بهار
- جوانشیر، ف.م (فرح الله میرزایی)؛ ۱۳۸۰، **حماسه داد** (بחי در محتوای سیاسی شاهنامه)، نشر فردوسی
- مسکوب، شاهرخ؛ ۱۳۹۵، **ارمغان مور**، انتشارات نی، چاپ چهارم
- کزازی، میرجلال الدین؛ ۱۳۸۸، **سخنرانی درباره شادی در شاهنامه**، فرهنگسرای ابن سینا، اردیبهشت ماه
- کزازی، میرجلال الدین؛ ۱۳۹۳، ج ۹، **نامه باستان**، انتشارات سمت، چاپ چهارم، تهران
- کزازی، میرجلال الدین؛ ۱۳۹۶، ج ۸، **نامه باستان**، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران
- کزازی، میرجلال الدین؛ ۱۳۹۴، ج ۷، **نامه باستان**، انتشارات سمت، چاپ چهارم، تهران